

اندیشه ولایت حضرت علی(ع) در آموزه‌های اهل حق و سلسله آتش بیگی

محمود الواری

دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

Alvari.m120@gmail.com

مهدی انصاری

استادیار گروه تاریخ واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

d_m_ansari@yahoo.com

علی اکبر خدری زاده

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

khedrizedeh@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۷- صفحه ۸۵-۶۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۹

چکیده

اهل حق، یکی از جریانها و مکتب‌های مذهبی شیعی مشرب با گرایش عرفانی و شامل یازده خاندان است که سلسله آتش‌بیگی از خاندانهای معروف اهل حق به شمار می‌رود. ولایت به به عنوان یک اصل مهم و اساسی در اندیشه اهل حق و سلسله آتش‌بیگی تلقی می‌گردد که از آغاز آفرینش و مراحل پیدایش هستی، ولایت و مظهریت حضرت علی(ع) به عنوان انسان کامل و صاحب ولایت مطلقه، تجلی و نمود داشته و در دوره‌های مختلف ظهور و بروز نموده است. بر همین اساس نیز بیشتر توصیفات و تجلیل‌ها مربوط به وجود نوری و حقیقت ذاتی حضرت علی(ع) است. بررسی اندیشه ولایت با روش توصیفی-تحلیلی دیدگاه اهل حق و سلسله آتش‌بیگی در مورد ولایت حضرت علی(ع) هدف این پژوهش قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که مشابهت‌ها و قرابت‌های زیادی از جمله ولایت تکوینی حضرت علی(ع) و جنبه ملکوتی و ازلی آن و همچنین اعتقاد به امامت امامان دوازده‌گانه شیعه بین این دو دیدگاه درباره ولایت وجود دارد.

واژه های کلیدی: ولایت، حضرت علی(ع)، اهل حق، آتش‌بیگی.

دین شامل دو ساحت ظاهری و باطنی است. و همواره شناخت درست و کامل آن در گرو درک و شناخت این دو ساحت است. ساحت ظاهری دین در بردارنده احکام و دستورات و قوانین ظاهری و مسائل فقهی، کلامی و احکام اخلاقی و نظایر آن است و در مقابل، ساحت و جنبه باطنی دین در بردارنده مسائل درونی و عرفانی است که به حقایق و معنویت دین مربوط می‌گردد. جنبه ظاهری دین با عنوان شریعت و جنبه باطنی با عنوان طریقت و حقیقت دین قابل شناخت است. دین اسلام نیز شامل جنبه‌های ظاهری و شریعت و جنبه‌های باطنی و درونی و طریقت و حقیقت است. ولایت از آن جنبه‌ها و موضوعاتی است که شیعه بر حول آن می‌چرخد و اساس آن را شکل داده است و در واقع دین از نظر شیعه، بسان کالبدی است که ولایت، حقیقت و روح آن به شمار می‌رود، از این رو، از همان دوران اولیه و آغازین شکل‌گیری، این مذهب بر حول ولایت متمرکز بوده است و کانون اعتقادی آن به شمار می‌رود، شیعه امامیه که بر امامت و ولایت ائمه اطهار قرار گرفته است که با ولایت حضرت علی(ع) آغاز و به حضرت محمد مهدی(عج) ختم می‌گردد.

از طرف دیگر نگرش اهل حق نیز، بر اصل ولایت و مظهریت حضرت علی(ع) استوار است. این اصل، از اساسی‌ترین و زیربنای‌ترین اصول اعتقادی آن به شمار می‌رود. برای شناخت بیشتر قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است که به اهل حق و سلسله آتش بیگی به طور اختصار اشاره گردد. اهل حق نام گروهی است مذهبی با گرایش‌های عرفانی و وابسته به شیعه امامیه. (میراحمدی، ۱۳۶۹: ۲۵؛ جلالی مقدم، ۱۳۸۰: ۴۶۷؛ مینور سکی، ۱۳۷۸: ۴۸؛ دورینگ، ۱۳۷۸: ۲۰) افراد آگاه اهل حق، این مصلک را جدای از اسلام نمی‌دانند بلکه آن را یکی از سلاسل عرفای شریعت محمدی و بر مذهب شیعه اثنی عشری جعفری دانسته، (الهی، ۱۳۷۳: ب، ۶-۱۹، ۲۷۱-۲۷۲) گذشته از شواهد و دلایل و مستندات متعدد، متون اهل حق به این موضوع صراحت دارد. (ایوانف، ۱۹۵۰: ۵؛ شیخ امیر، ص ۱۲۸؛ جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۲۴، ۲۳، ۲۰) بر اساس منابع موجود بزرگان و پیران و پی‌شویان این جریان فکری- مذهبی پیرو شریعت اسلام بوده‌اند و باورها و آموزه‌های آن ماهیتی خاص یافته است. (رستمی، ۱۳۹۶: ت، ۲۳۸) بنابراین این گروه با گرایش‌های عرفانی و برخی آداب و رسوم خاص که در مواردی با برداشته‌های رسمی و متشرعانه اسلامی

کمتر مطابقت دارد بیشتر در میان طوایف کرد، لک و ترک زبان پیروان زیادی دارد، و در ب ستری اسلامی رشد کرده است. (جلالی مقدم، ۱۳۸۰: ۶۷)

پیروان اهل حق بیشتر در مناطق غربی ایران متمرکز هستند، هر چند که در دیگر مناطق و استانهای ایران و حتی خارج از ایران نیز پراکنده هستند. و به حیات خود ادامه می‌دهند. از جمله پیروان اهل حق در مناطق و استانهای کرمانشاه، همدان، لرستان، آذربایجان، مازندران، تهران و حومه، قزوین، شیراز، وجود دارند و نیز در کشورهای عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان، هندوستان و برخی کشورهای اروپایی و آمریکا گروههایی از پیروان اهل حق زندگی می‌کنند که در برخی منابع گزارش گردیده است (صفی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۵، ۱۴؛ اف ضلی شاه‌لیراهیمی، ۱۳۷۱: ۶۵۸؛ جیحون‌آبادی، ۱۳۶۱: مقدمه ۶-۹؛ دورینگ، ۱۳۷۸: ۱۵؛ مینور سکی، ۱۳۷۸: ۵۵؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۸: ۱۴۵) البته در مورد وجود اهل حق در خارج از ایران و اینکه متعلق و سرسپرده کدام یک از خاندانها هستند، تاکنون اطلاعات دقیق و موثقی در دست نمی‌باشد (الواری، ۱۴۰۰: ۲۸)

اهل حق شامل یازده خاندان یا سلسله که عبارتند از: شاه ابراهیمی، بابابادگاری (یادگاری) خاموشی (حیدری، سیدابوالوفا) عالی‌قلندری، میرسوری، حاجی‌باویسی (سیدباووعیسی)، زنوری، سیدمصطفایی، آتش‌بیگی، شاه‌حیاسی، باباحیدری. که هر خاندان تحت سیادت یکی از سادات و بزرگان خاندان قرار دارند. (جیحون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۹-۴، ۱۸، ۴۱۴؛ الهی، ۱۳۷۳: ب، ۷۳-۶۶؛ صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۴؛ سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

یکی از خاندانها و سلسله‌های معروف اهل حق، سلسله آتش‌بیگی است. زمان شکل‌گیری سلسله آتش‌بیگی از نظر تاریخی، که جزء خاندان‌های متأخر اهل حق به شمار می‌رود، به دوره صفویه می‌رسد. سرسلسله این خاندان، سید محمدبیگ مشعشی لرستانی است. وی از نوادگان سید محمدبن‌فلاح مشعشع (د ۸۷۰ق.) - بنیانگذار حکومت مشعشیان خوزستان - است. آتش‌بیگ مشعشی فرزند سید محمد بیگ، که خاندان مذکور منسوب به اوست، در قرن یازدهم هجری و معاصر با حکومت صفویه می‌زیسته است. وی بعد از پدر، جانشین و مسدانشین خاندان گردید. خاستگاه اصلی این خاندان لرستان بوده و حوزه نفوذ و فعالیت این خاندان (سلسله) در لرستان، کرمانشاهان، همدان، آذربایجان، خوزستان و خراسان بوده است. مرکز این خاندان در حال حاضر در یکی از روستاهای تابع شهرستان هرسین (روستای گره‌بان) استان کرمانشاه واقع گردیده است. این سلسله دارای پیروان زیادی در مناطق غربی و شمال غربی و دیگر مناطق ایران است.

مسندنشینان و پیران این خاندان از زمان سید محمدبیگ تاکنون بدون انقطاع و بطور پیوسته (از پدر به پسر) صاحب اجاق و مسندنشینی بوده‌اند؛ و به حیات و موجودیت خود ادامه داده و یکی از گروه‌های تاثیرگذار و ذی نفوذ در عرصه فرهنگی و اجتماعی و مذهبی مناطق محل نفوذ و حوزه قلمرو زیستی‌شان بوده‌اند.

از ویژگی‌های عمده این خاندان، رویه و سنت شیعی- عرفانی آن که در بردارنده اعتقاد به تعالیم و آموزه‌ها سنت شیعی امامیه با محوریت اندیشه ولایت مداری حضرت علی(ع) و اعتقاد و انتظار ظهور حضرت ولی عصر(عج)، و از طرف دیگر تأکید و توجه به جنبه‌های باطنی و حقیقت تعالیم مذهب شیعه، همچنین پایبندی و حفظ برخی از آداب و رسوم اهل حق است. روش و رویه این سلسله، با چنین مشخصه‌ها و ویژگی‌های است که بیش از دیگر خاندانهای اهل حق - در اعتقاد و عمل- مناسبات و پیوندهای اعتقادی آن با شیعه امامیه، قابل بررسی و شناخت است.

سلسله آتش‌بیگی اصول مذهبی(توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد) را باور دارند. از دیگر ویژگی‌ها و مشخصات این سلسله اعتقاد به رسالت انبیای الهی و نبوت و خاتمیت حضرت محمد(ص) و امامت امامان شیعه امامیه اثنی عشری، اعتقاد و انتظار ظهور حضرت مهدی(عج)، پیروی از سیره و روش پیامبر و ائمه هدی، اعتقاد راسخ به قرآن و عمل به احکام آن است.

در مورد بررسی اندیشه ولایت از دیدگاه اهل حق و سلسله آتش‌بیگی، تاکنون پژوهش مستقل و روشمندی صورت نگرفته است. در پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سعید لطفی با عنوان «امام علی(ع) در آموزه‌های اعتقادی فرقه اهل حق» یک بخش را به بررسی این موضوع اختصاص یافته است و نظر برخی از بزرگان و پیروان اهل حق را درباره مقام و عظمت علی(ع) آورده است ولی کمتر به مقام ولایت تکوینی حضرت علی پرداخته، همچنین به بررسی دیدگاه سلسله آتش بیگی درباره ولایت حضرت علی(ع) به طور مستقل بحث نگردیده و تنها در خلال متن به اشارات کوتاهی درباره مقام مظهریت و تجلی آن حضرت از نگاه تذکره اعلی گردیده که وافی به مقصود نمی‌باشد. و این از نقاط تمایز تحقیق مذکور با پژوهش پیش‌رو است. و به همین سبب این موضوع، به عنوان یک موضوع بدیع و تازه در این زمینه است که اهمیت و ضرورت چنین پژوهشی در این زمینه بیش از پیش نمایان است.

این پژوهش در صدد است تا به جنبه‌های مختلف بحث ولایت حضرت علی(ع) از نظرگاه اهل حق و سلسله آتش بیگی بپردازد تا نقاط مشابه و اشتراک و احیاناً ناهمسان آن را مورد بررسی قرار دهد و همچنین سرچشمه‌ها و ریشه‌های مشترکشان را نمایان سازد.

بحث

الف. بحث ولایت در روایات شیعه امامیه

ولایت یکی از ارکان اساسی اعتقادی شیعه است. تا جایی که شیعه بر محور ولایت متمرکز است. شیعیان خود را اهل ولایت می‌دانند. و بدون ولایت شیعه معنا و مفهومی ندارد. باطن و روح اعتقادی و فکری شیعه در اصل ولایت نهفته است؛ از این رو، ولایت همواره در طول تاریخ اعتقادی شیعه نقش منحصر به فرد و ویژه‌ای را ایفا نموده است و دیگر ارکان اعتقادی شیعه نیز بر پایه این اصل استوار است.

ولایت از نظر لغوی؛ اگر به کسر واو «ولایت» خوانده شود به معنای رهبری، مدیریت و سرپرستی و اگر به فتح واو «ولایت» خوانده شود به معنای محبت، دوستی است. ما در اینجا به اهمیت و سابقه اعتقاد به ولایت و امامت در اندیشه و باور تشیع خواهیم پرداخت تا از خلال روایات و احادیث مربوط به این موضوع، اهمیت، ضرورت و مصادیق و جنبه‌های آن را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم

در اعتقاد مسلمانان حضرت محمد(ص) به عنوان آخرین پیامبر خداوند و خاتم الانبیاء است که با او دایره نبوت پایان یافته و شریعت او به عنوان آخرین شریعت الهی محسوب می‌گردد. و در اندیشه شیعه پایان نبوت، آغاز دوره جدیدی است که دایره و مرحله ولایت یا امامت نامیده می‌شود. روایات متعددی وجود دارند که پیرامون بحث ولایت وارد شده و در خصوص اهمیت و ضرورت این اصل مهم تأکید و توجه قابل ملاحظه‌ای گردیده است.

از منظر شیعه امامیه دایره ولایت شامل ائمه دوازده‌گانه‌اند که با حضرت علی(ع) به عنوان جانشین و وصی پیامبر(ص) آغاز و به حضرت محمد بن حنفیه سگری(مهدی(ع)) ختم می‌گردد. (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق؛ ۹۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۰۹) در حدیثی از پیامبر(ص) به نقل از امام صادق(ص) آمده است که پیامبر(ص) فرمود: «پس از من دوازده امام‌اند که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر ایشان قائم است، آنان جانشینان و اوصیاء و اولیای من و حجت‌های الهی بر امتم پس از من می‌باشند کسی که مقرر به ایشان باشد مؤمن و کسی که منکر ایشان باشد کافر است» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۴۸۷).

از دیدگاه شیعیان امامیه، ولایت یکی از (دعائم) یا پایه‌های اسلام خوانده شده است. احادیث زیادی بر این امر اشاره دارند و ولایت را جزو پنج رکن اسلام شمرده‌اند؛ در اصول کافی سلسله احادیثی که اسناد همه آنها به امام باقر و امام جعفر صادق(ع) بر می‌گردد، ولایت یکی از پنج رکن

اسلام است: امام باقر(ع) فرموده: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ» (کلینی، ۱۳۷۵: ۴/۷۱، ۷۰؛ مفید، ۱۳۶۴: ۴۰۴) یعنی: اسلام بر پنج چیز: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت بنا شده است و چنانچه برای ولایت فریاد زده شده، برای چیزی فریاد زده نشده است.

از این رو، ولایت همچون پایه برتر اسلام و کلید اعتبار دیگر پایه‌ها، تشکیل دهنده هسته ایمان است، که بدون آن دین فاقد جوهر است. تا آنجا که دین، همان «ولایت» (حافظ برسی، ۱۳۸۹: ۱۵۶) محسوب می‌گردد.

ب. ولایت در اندیشه اهل حق

ولایت از نظر اهل حق و سلسله آتش‌بیگی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. و محوری‌ترین اعتقاد آنان محسوب می‌گردد؛ تا جایی که دیگر اصول در ارتباط و تحت الاشعاع این اصل قرار گرفته است. همواره ولایت در عقاید آنان به عنوان اصلی انکار ناپذیر و غیرقابل خدشه به‌شمار آمده که بسان خورشیدی درخشان هرگز غروب نمی‌کند و جهان به نور ولایت تابان است. البته در نزد آنان از ولایت با عناوینی نظیر «مولا» و «شاه» یاد شده است.

جیحون‌آبادی ضمن اشاره به این اصل مهم تأکید می‌کند که بعد از ختم رسولان - پایان خاتمیت حضرت رسول اسلام(ص) - دوران ولایت آغاز گشته و اولیا همچون خورشید درخشانی مظهر و مجلای انوار خداوند بوده که هرگز غروب نمی‌کند و تا روز محشر زمین هیچ‌گاه از وجود آنان خالی نخواهد ماند:

ولایت پس از آن نبوت بکار	شده در جهان همچو خور آشکار
چو برچیده شد دستگاه رسول	شدی حاجت اولیاهان قبول
ولایت بود همچو خورشید حی	که تابیده بر جام هر کل شی
نگشته غروب آن خور اولیا	که آن خور بود مظهر کبریا
بود شمس باقی بهر روزگار	درخشنده باشد بلبل و نهار
دگر نیست شب در ولایت بدین	بود روز روشن همیشه مبین...
ولایت بود جامه آن نهار	بود مظهر حق در آن آشکار
نگردد غروب دیگر آن آفتاب	نیاید دگر شب چو ستر حجاب...
که تا روز محشر بود پایدار	بود حق همیشه در آن آشکار

(جیحون‌آبادی، ۱۳۶۳: ۲۱-۲۲)

حضرت علی(ع) به عنوان مظهر اتم و اکمل حضرت حق، در عالم انسانی است، وی انسان کامل مکملی است که جامع جمیع صفات الهی است و مظهر ذات، صفات و افعال حق تعالی است. بر اساس روایات منسوب به اهل حق در عالم ناسوتی، حضرت علی(ع) اولین و کامل ترین مظهر خداوند است که تجلیگاه نور حق تعالی است. در واقع ظهور آن حضرت، ظهور تمام و کمال حق تعالی در وجود انسانی قلمداد می گردد؛ قبل از دوره آن حضرت، از دوره حضرت آدم(ع) و دیگر انبیای الهی تا حضرت خاتم(ص) هر کدام از انبیای الهی مظهر صفات و برخی اسمای حق تعالی بوده اند، و هیچ کدام مظهریت تمام و کمال حق را حایز نبوده اند؛ ولی آن حضرت نخستین و کامل ترین مظهر ولایت الهی در عالم انسانی در دوره اسلام به شمار می رود.

شیخ امیر، در مورد عظمت مقام حضرت علی سروده است:

چَه بَر تَا و بَار علی بی گردش چَه بَر تَا و بَار
(دیوان شیخ امیر: ۱۳۷۴: ۴)

یعنی، در خشکی ها و دریاها، ذات علی در تمام خشکی ها و دریاها احاطه و سیطره دارد. در گنجینه یاری نیز آمده است:

هرچه مأوای درّ خالق اکبر دُون و دُون آمان و جامه بشر
تا آمان نَه دور علی عمرانی ذات خلاصه پاک سبحانی
(نیک نژاد، بی تا: ۱۶۹)

یعنی از مقام و مأوای درّ آن خالق اکبر، دُون به دُون و مرتبه به مرتبه تجلی نمود و به جامه و کسوت بشری آمد. تا اینکه آن ذات پاک حضرت سبحان به دور حضرت علی بروز کرد و در وجود آن حضرت متجلی گردید.

القاصی نیز حضرت علی(ع) را مظهر الله و بزرگترین تجلی حضرت حق دانسته است: «حضرت علی دارای بزرگترین تجلی ذاتی بوده که مردم اهل حق وی را مظهر خدا دانسته» (القاصی، ۱۳۵۷: ۱۱). انبیا و اولیای الهی از نور وجودی آن حضرت به طور دایمی بهره مند بوده اند:

به هر انبیا و به هر اوصیا به مهمانشان بود دایم ضیا
(جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۴۹)

حضرت علی(ع) به عنوان وصی و جانشین حضرت محمد(ص)، صاحب ولایت حقیقی است؛ و بر همه خلقت، ولایت و تصرف دارد و زمین و زمان تحت فرمان و امر او قرار دارد: پس از رحلت احمد مصطفی به او جانشین گشت آن مرتضی

که آن مرتضی بود ذات خدا
به تخت بقا گشت فرمانروا
به کل خلائق شد حکمران
به فرمانش بودی زمین و زمان
(همان، ۱۱۶-۱۱۷)

بنا به این دیدگاه، جهان هیچگاه از حضور و نور ذات حق (مظهرالله) خالی نمی‌گردد، و عالم هستی جلوه‌گاه تجلی ذات الهی است :

زمانه ز ایشان نگردد تهی
به هر دو جهان حاضرند از بهی
(همان، ۲۵)

نورعلی الهی، حضرت علی(ع) را مظهر خدا دانسته و چنین بیان داشته: « اس اساس این مسلک [اهل حق] روی پایه توحید قرار گرفته است... فقط حضرت علی(ع) رابه مقام مظهریت و مشیت الله می‌شناسند.» (همان، ۶-۷)، بنابراین، حضرت علی(ع) محل ظهور و جلوه ذات و وجه الله است. (الهی، ۱۳۷۳: آ، ۳۴۹/۲) بنابراین، از نظر او حضرت علی از اسمای الهی است و ذاتش مظهر مسمای الله تعالی و قدرت و مشیتش اثر مسمای خدای یکتا است:

« فلهدا اشخاص موحد، به ماده و صورت و جسم و هیکل علی بن ایطالب نظری ندارند تا مشرک محسوب شوند، فقط از مرآت اسم جمالی علی اعلی، انتزاع مسمای جلالی باریتعالی نموده، سپس با توجه به اثرات آن اسم و مسمای احدیت، حضرت علی(ع) را، آینه صفت، در جوهر ذات، نه در طبیعت، مظهر قدرت و مشیت الهی دیده. بدیهی است که احول نیست، در آینه جمال علی جز جلال تجلی نور وحدت لم یزلی چیزی نمی‌بیند. به عبارت اخری، وحدت کل را محیط بر کثرات جزء، و کثرات جزء را محاط بر وحدت کل خواهد یافت» (الهی، ۱۳۷۳: ب، ۱۸۲)

از این رو، اسم علی به موجب آیات قرآنی از اسماء الله می‌باشد و مسمای اسم هم، ذات خداوندی است. بنابراین، چون اسم حضرت علی(ع) آینه آن مسمی می‌باشد، اشخاص موحد و خداپرست در آینه صفت علی جز جلوه ذات خدا نمی‌توانند ببینند. (همان، ۶۳۷)، با توضیحات داده شده بر اساس دیدگاه نورعلی الهی، روشن شد که ایشان حضرت علی(ع) را به مقام مظهریت و مشیت‌الله شناخته و هدف و منظور از حضرت علی(ع) توجه به ذات و حقیقت وجودی آن حضرت است، و نه جسم و هیکل ظاهری.

ج. اعتقاد به امامت ائمه اطهار(ع)

پیروان اهل حق خود را وابسته به شیعه اثنی عشری می‌دانند و در بحث امامت آنان نیز همانند امامیه به ائمه شیعه اثنی عشری اعتقاد دارند. رشته اصلی پیوند اهل حق با مذهب تشیع امامیه، مربوط به ولایت حضرت علی(ع) و ائمه اطهار است. چنانکه در این باره آمده است: «اهل حق ائمه هدی را حضرت علی(ع) و یازده فرزندش از امام حسن تا محمدمهدی می‌دانند و دارای مذهب شیعه اثنی عشری جعفری هستند.» (الهی، ۱۳۷۳: ۱۰، آ).

بنابراین، امامت پس از ختم نبوت رسول اسلام(ص)، به عنوان مقام برگزیده الهی و بوسیله پیامبر(ص) صورت گرفته است و در این نگرش، انتخاب امام بر اساس نص الهی به مانند عقیده شیعه امامیه صورت می‌گیرد. در این دیدگاه، حضرت علی(ع) بعد از رحلت حضرت محمد(ص) جانشین بر حق او بوده و پس از حضرت علی(ع) نیز هرکدام از امامان بعدی نیز یکی پس از دیگری به مقام امامت رسیده‌اند و آخرین ایشان مهدی(عج) است. (جیحون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲۳-۲۴). در باور سلسله آتش‌بیگی نیز، امامت و ولایت از جایگاه رفیعی برخوردار است. اعتقاد به امامت ائمه معصومین(علیهم السلام) شیعه اثنی عشری از اصول اصلی و اساسی اعتقادی و خدشه‌ناپذیر آنان محسوب می‌گردد. و در آثار منسوب به این سلسله این امر بازتاب یافته و مورد عنایت و توجه بزرگان، پیشوایان و اولیای آنان بوده است و توسل به ائمه اطهار و ذکر نام دوازده امام در آثار ایشان دیده می‌شود(حسینی طرهان، ۱۳۹۷: ۲۹۷، ۲۷۵، ۲۲۷، ۲۰۶، ۱۳۴، ۱۰۱) بر اساس این بینش، امام اول حضرت علی(ع) است، و بعد از شهادت او یازده امام از نسل او یکی پس از دیگری در مسند ولایت قرار گرفتند، تا اینکه امامت به محمد مهدی صاحب‌الامر رسیده است و او نیز از نظرهاغایب گردیده است(ایوانف، ۱۹۵۰: ۲۸).

د. ولایت در اندیشه سلسله آتش بیگی

در نگاه سلسله آتش‌بیگی، بحث ولایت با وجود حضرت علی(ع) پیوند ناگسستنی و ازلی دارد و وجود آن حضرت بعد از دون(تجلی) خاوندگار، جامه دوم و مظهر کامل الهی محسوب می‌گردد. (ایوانف، ۱۹۵۰: ۱۸، حسینی طرهان، ۱۳۹۷: ۱۵۲) در تذکره‌اعلی در مورد جامه و مظهریت حضرت علی چنین بیان گردیده:

« تا اینکه بحسب ظاهر به اسم پسر ابوطالب، مولا خود را در کعبه شریف آشکار نمود و با چندین هزار اولیا و انبیا نهران می‌گردیدی با حضرت رسالت پناه آشکارا گردید، پیغمبر مثال پروانه بگردش می‌گردیدی که مرام در شهد بود پروانه وار با او آشنائی داشت، و لیکن پی دعوا خود را آشکار نمود، حضرت رسالت پناه به دیده دیگر به حضرت امیر نگاه کردی...» (ایوانف ۱۹۵۰: ۱۸).

در متون این سلسله نیز به مناسبت‌های مختلف، در مورد مناقب و فضایل حضرت علی(ع) اشاراتی روشن و محکم بیان گردیده، که همگی دلالت بر مقام و منزلت بسیار والای آن حضرت در نگاه آنان دارد. البته ائمه همگی نور واحد و حقیقت واحدند، و هرچه که برای یکی از آنان صادق باشد، برای همه آنها صادق خواهد بود(آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۴) بنابراین، آنچه که از دیدگاه سلسله آتش بیگی مهم به نظر می‌رسد، حقیقت وجودی و ماهیت واحد انسان کامل و مظهرالله است، که حضرت علی(ع) به عنوان مظهر اکمل و اتم آن به شمار می‌رود و اشاره‌ها و سروده‌های که درباره آن حضرت رفته است، در واقع شامل دیگر امامان و مصادیق ولایت و مظهریت کامل نیز می‌گردد.

۱. جامعیت و مظهریت حضرت علی

در روایات و کلام‌های اهل حق و سلسله آتش‌بیگی به صورت پراکنده مباحث مربوط به ولایت علی(ع) و اولیای اهل حق و دیگر بزرگان سلسله مورد اشاره قرار گرفته است؛ بنابراین، در خلال مباحث و آثار غالباً منظوم آنان این موضوع طرح گردیده، که بیشتر حالت منقب‌آمیز و ستایش‌گونه دارند. ولی با این وجود، این موضوع مانع آن نمی‌گردد که نتوان به چارچوب عقاید آنان در این زمینه دست یافت.

بر اساس روایات و حکایت‌های اهل حق و آتش‌بیگی، حضرت علی(ع) به عنوان حقیقتی است که وجود نورانی او قبل از آفرینش همه عوالم وجود داشته است. و مظهر کامل و اتم حضرت حق بوده است؛ و ذات او از ازل وجود داشته و سرّی است که پی به کنه ذات او نتوان برد:

پادشای شاهان، پادشای شاهان	یا شهنشای دین، پادشای شاهان...
یا در دریا یا سَر سبجان	یا ذات ازل یکتای لامکان
یا اسد الله شیر و رای نبسی	یا معجز مخفی ولی الله ربسی

(حسینی طرهان، همان: ۱۷۶).

یعنی: ای پادشاه شاهان، ای شهنشای دین ای پادشای شاهان. ای در دریای غیبی، ای سر سبجانی، ای مظهر ذات یکتای ازلی که لامکانی. ای اسدالله(شیر خدا) که در شب معراج بر سر راه پیغمبر پدیدار شدی، ای ولی خدا که معجزات و کرامات تو پنهان است.

که در این ابیات به تقدّم و سروری و افضلیت وجودی حضرت علی در عوالم غیبی اشاره دارد. او همان گنج مخفی بوده که در دریای اسرارآمیز و ناپیدا و غیب الغیوب وجود داشته است؛ حدیث قدسی نیز به گنج پنهان بودن حضرت حق پیش از خلقت اشاره گردیده که در آن حضرت حق تبارک و تعالی فرموده: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» من گنج

نهان بودم دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم. همان طور که در حدیث منسوب به حضرت علی (ع) آن حضرت در مورد ولایت ازلی و پیشین خود فرمودند: «كُنْتُ وَلِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ» (آملی، ۱۳۹۱: ۳۰۳، ۲۹۰). یعنی: من ولی بودم زمانی که آدم بین آب و گل بود. که اشاره به صفت ولایت باطنی آن حضرت دارد.

بنابراین، حضرت علی (ع) به اعتبار ولایت باطنی اش دارای تقدم بر همه چیز است. و او والی و شاهنشاه ولایت و وکیل مطلق حق تعالی است که در اوج قله ولایت قرار دارد. علی (ع)، شاه ولایت و سلطانی است که بسان دریایی بی کران، ولایت او بر همه چیز تسلط و سیطره دارد.

شا بئر بی پی، شا بئر بی پی شهنشای شاهان، شا بئر بی پی

(دیوان ترکمیر موموند، ۱۳۹۸: ۱۶۱)

یعنی: ای شاه ولایت که (بسان) دریای بی کران و بی حدی هستی (کسی به گن ذات تو پی نبرده است)؛ شهنشاه و سرور و سلطان همه شاهان هستی. (بر همه بزرگان و امیران و شاهان و همه موجودات برتری و تسلط داری و همه مسخر تواند)

بنابراین، با توجه به اینکه علی (ع) صاحب ولایت مطلقه می باشد، آگاه از اسرار الهی و دانای به همه امور عوالم است؛ و وکیل، خلیفه و ولی یگانه هر دو عالم غیب و شهادت الهی است؛ ظهور گنج پنهان الهی و آگاه از اسرار غیبی اوست:

غیب دان خالق، دانای کل شی ساقی جرعه بخش حوض کوثر می
وکیل کونین کل کارخانه ولی واحد یگانه یگانه...
کشف کنت کنز الف یک دونی با خبر ژه سر پرده غیب تونی

(دیوان ترکمیر، ۱۳۹۸: ۱۶۱).

یعنی: ای آگاه از غیب حق، و دانا و علیم به همه چیز؛ ساقی جرعه بخش حوض کوثر؛ ای وکیل دو جهان و همه دستگاه هستی خدا و ولی واحد خدای یگانه؛ مظهر و تجلی گنج مخفی هستی، و با خبر از اسرار نهان غیب هم تو هستی.

در روایات شیعی نیز به برخی از صفات و ویژگی های امام در مورد آگاه بودن امام از اسرار و ولایت او اشاره گردیده است که با اشعار فوق همسانی دارند. در روایتی منسوب به حضرت علی آمده است که آن حضرت فرموده: «أَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳۸۵/۲) و در مورد کوثر هم در روایات شیعی آمده است که آن حوض پیامبر (ص) است که صاحب اختیار آن در روز

قیامت حضرت علی است که دوستانش را آب می‌دهد (ابن بابویه، ۱۴۱۴:ق:۷۸) و پیامبر نیز فرموده که حضرت علی: «ساقی کوثر و صاحب شفاعت من است». (دیلمی، ۱۳۷۷: ۱۶۹/۲)

در مورد حدیث قدسی «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لَكِي أُعْرَفَ» (مجلسی، ۱۴۰۴:ق:۱۹۸/۸۴) که از آن در کلام و اشعار سلسله آتش بیگی بدان اشاره گردیده؛ و نیز مورد تأمل و توجه عالمان و عارفان قرار گرفته است. از نظر عارفان و محققان عرفان نظری، گنج پنهان کنایه و اشاره به کنه غیب و حضرت غیب الغیوب و سرّ محفوظ دارد که از تعین، حد و رسم مبرا می‌باشد که آن مقام ذات است؛ (خمینی، ۱۳۷۶:۱۳).

حضرت علی(ع) در روایات و حکایات متعدد آتش بیگی از ابتدا آفرینش وجود داشته و ذات و باطن او قدیم دانسته شده است، و او صاحب کرم و وجود است:

یا باطن قدیم ژو ابتدا هسی
یا کرم کبیر کبیر شجا هی
(حسینی طرهان، ۱۳۹۷:۱۳۲)

یعنی: ای که باطن قدیم و از آغاز بوده‌ای، ای که کرم تو بی شمار است و صاحب شجاعت هستی. پس آن حضرت به اعتبار ولایت مطلقه و کلیه، باطن اش قدیم است؛ به عبارتی دیگر کسی که مظهر اتم و اکمل حضرت حق تعالی باشد، مظهر و مجلای جمیع اسما و صفات الهی است و از این رو باطن و ذات او که با ذات حق یگانه است و جدایی ندارد، از آغاز و ابتدا بوده است، همان طور که در روایات متعدد شیعی نیز از قول حضرت علی (ع) آمده است: «أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ» (یزدی حائری، ۱۴۲۲:ق:۲۰۱/۲؛ آملی، ۱۳۹۱:۳۸۸).

حضرت علی(ع) همان طور که مظهر کامل حق تعالی است، و وجودش فانی در حق و باقی به حق است، پس با ذات حق، وجودش یگانه گشته و به عنوان صاحب ولایت بر همه چیز محیط و احاطه دارد و وجود نورانی و باطنی او با همه عوالم معیّت دارد، پس به اعتبار ذات و باطن، ناشناخته و لامکان است و به اعتبار ظاهر نیز در کسوت بشری ظهور و تجلی نموده است.

حضرت علی(ع) به عنوان انسان کامل، هر چند که از نظر جسم عنصری به عنوان بشر است که متولد گردیده است، ولی از نظر باطنی و حقیقت ذاتی، مظهر اسم ظاهر و باطن حق تعالی است:

وکیل کونین کارخانه یارن
و باطن قادر قدرت نمای حق
و باطن کریم پادشای کرم دار
والا(والی) ولایت والا مقامی
باطن سواره بطون تیارن...
و ظاهر سلطان سالار مشرق...
و ظاهر زور مشت شای دلدل سوار
حقین و جودی باز هم امامی

(حسینی طرهان، همان: ۱۵۴)

ترجمه: ولی و صاحب ولایت و مقام خلیفه الهی هستی، که از نظر باطن سرور و پاک و طیب است؛ و از نظر باطن مظهر قادر و قدرت نمای حق است، و در ظاهر سرور و سالار مشرق هستی؛ و از نظر باطنی بخشنده و مولای کرم‌دار است و به ظاهر مولای دلدل سوار قدرتمند است؛ والی و شاه ولایت و دارای منزلت و مقام والای هستی، تو حق و عین وجود و امام هستی.

۲. ولایت تکوینی حضرت علی(ع)

خلافت الهی، قائم به انسان کامل است و او قطب عالم امکان است و قطب، همان مرتبت امامت و مقام خلافت است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۱۲) و تمام موجودات هستی، بر گرد و محور وجودی انسان کامل می‌گردد؛ چون او محور آفرینش است. بر همین اساس است که آیات و روایات شیعی اشارات و تأکیدهای بسیاری در این زمینه دارند و عارفان نیز به این موضوع توجه زیادی نشان داده‌اند.

ولایت ائمه به دو بخش تشریحی و تکوینی تقسیم می‌گردد؛ ولایت تکوینی ولایتی است که انسان کامل که مظهر کامل اسم ولی است، می‌تواند به اذن خداوند متعال در کائنات تصرف کند و قوای مادی و آسمانی را تحت تسخیر خویش درآورد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۳۱) بندگانمانند پیامبر و یا امام و یا کسی که بر اثر عبودیت و بندگی، کمال روحی و معنوی پیدا کرده (سبحانی، ۱۳۸۹: ۷) به این درجه از تصرف و تسلط دست پیدا می‌کنند.

در بینش سلسله آتش‌بیگی نیز حضرت علی(ع) به عنوان مظهر اکمل و اتم حضرت حق به عنوان محور و قطب آفرینش شناخته شده است. برای نشان دادن اهمیت این موضوع به ذکر شواهدی از ابیات و اشارات آنها در این زمینه خواهیم پرداخت.

والا(والی) ولایت والا مقامی	حقیق وجودی باز هم امامی
خلاصه سرجم کُل جم تویی	اسد الله عرش مولای شاهویی
ظاهر و باطن ولات یکسره	ذات ذات پاک مولای حیدرن

(حسینی طرهان، همان: ۱۵۴)

یعنی شاه ولایت و والا مقام هستی، تو حق و عین وجود و امامی؛ سر سلسله و زبده همه موجودات هستی، تو اسدالله ملکوت و مولا هستی؛ ظاهر و باطن برای تو یکسان است (به همه احاطه داری و همه چیز مسخر توست، و ذات پاک مولا علی هستی. برای همین است که او مقتدا

و پیشوا و راهنمای تمام عوالم و موجودات است، که عرش و زمین، لوح و قلم است و نقش تمامی موجودات را صورتگری کرده است:

تو مقتدایی تو پیشوایی	تو راهنما و دلیل رایبی
تو عرش اعلا تو فرش بالا	تو لوح و قلم تو دفتر وانا
نقش تمامی تو کردین قالب	اوسا ویت کردی کُر ابوطالب
لامکان مأوا دُر دریا بار	و دون ظاهر آقای هشت و چهار

(حسینی طرهان، همان: ۲۵۶)

یعنی تو مقتدا و پیشوا و دلیل و راهنمای راه هستی؛ تو عرش بالا (عوالم ملکوت) و زمین، لوح و قلم هستی و رسیدگی به اعمال بر عهده توست؛ تمام موجودات را صورتگری نمودی و در عالم ظاهر و نشأء عنصری به عنوان فرزند ابوطالب ظهور نمودی؛ ذات و حقیقت تو لامکان و لازمان است و تو حقیقت دُرّ دریای حقیقت اسرار هستی که در عالم ناسوتی، پیشوا و آقای امامان دوازده‌گانه‌ای.

در این ابیات علاوه بر به صفات امامت و پیشوایی حضرت علی(ع)، ایشان را به عنوان عرش، فرش، لوح و قلم معرفی می‌گردد و همچنین نقش صور موجودات و ایجاد آنان را به آن حضرت نسبت داده شده است. که این ویژگی‌ها و صفات مختص ذات باریتعالی و جنبه خالقیت و ربوبیت اوست؛ ممکن است این شبهه و شک به ذهن متبادر گردد و برخی آن را حمل بر غلو و شرک محسوب کنند. ولی با توجه به روایات شیعی که به برخی از آنها در مباحث گذشته اشاره گردید، چنین صفات و خصوصیات زمانی به عنوان شرک و غلو قلمداد می‌گردند که به آن حضرت و انسان کامل به عنوان وجودی جدا و مستقل از حق تعالی نگریسته شود و دارای شأن و منزلتی مستقل و در برابر حق به شمار رود؛ قائل به دو وجود جداگانه شدن است که عین شرک است، اما اگر وجود او را به عنوان تجلی و آینه وجود حق تعالی و مظهر او بدانیم، که قائم به حق است و به خودی خود هیچ موجودی از خود، وجود و هستی مستقلی نداشته و همه عالم و انسان کامل نیز متکی به اوست و تنها سرچشمه وجود و هستی ذات واجب‌الوجود حضرت حق تبارک و تعالی است، و همه کثرات و ممکنات مظهر و آینه آن وحدت حقیقی‌اند که انسان کامل به عنوان مظهر اتم و اکمل و آینه تمام‌نما و مجلای ظهور اسما و صفات او می‌باشد، در آن صورت انسان کامل چیزی جز وجود حق و آینه وجودی او نیست؛ بنابراین، انسان کامل مظهر افعال حضرت حق است و فعل

او، فعل خدا و قول او، قول خداوند است. از این جهت او می‌تواند هرگونه که بخواهد در عوالم هستی و موجودات تصرف و تسخیر نماید.

بنابراین، این اعمال به عنوان مظهریت و تجلی و جلوه حضرت حق است، یعنی به اذن خداست که در آئینه وجود حضرت علی(ع) و انسان کامل متجلی می‌شود، «زیرا که غیر از حق، هیچ موجودی به هر عنوان و به هر تعبیر استقلال در وجود، و استقلال در اسم و صفتی ندارد. و در این صورت حق است که ظهور اسم و صفت خود را می‌دهد». (تهرانی، ۱۴۱۸: ۸۳/۵)

در روایاتی که از جانب حضرت علی و ائمه اطهار وارد شده است، خصوصیات و ویژگی‌های و نسبت‌های برای خود ذکر نموده‌اند که دلالت به جنبه باطنی ولایت آنان دارد؛ حضرت علی خود را به عنوان قطب معرفی کرده است: «إِنَّمَا لَنَا قُطْبُ الرَّحَى تَدُورُ عَلَيَّ وَ أَنَا بِمَكَانِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹). و این اشاره به این دارد که آن حضرت قطب دایره وجود و اصل وجود است و تمام هستی دایره به او می‌باشند و «مولای هر موجودی است و معنی هر وجود هم او است، و به جهت آنکه ولایت او اسم اعظم است و از او افعال ربوبیه حاصل می‌شود... پس او است قطب دایره ولایت و نقطه هدایت و خلق اول و نهایت امر راجع به او است» (حافظ بر سی، ۱۳۸۹: ۱۱۵) همچنین آن حضرت در جای دیگر این طور خود را معرفی می‌کند: «أَنَا أَلُّوْح، وَأَنَا الْقَلَمُ، وَأَنَا الْقَلَمُ، وَأَنَا الْكُرْسِيُّ، وَأَنَا أَلْ سَمَاوَاتِ السَّبْعِ...» (حافظ بر سی، همان: ۲۵۳؛ ها شمی خویی، ۱۴۰۰: ۳۲۴) یعنی منم لوح و منم قلم و منم عرش و منم کرسی و منم آسمانهای هفتگانه. او جان و روح عالم است، عالم به مانند جسم و او بسان روح و جان عالم در همه چیز سریان و جریان دارد و همه هستی به او زنده و پاینده است؛ به همین خاطر به همه چیز احاطه و آگاهی دارد:

يا جان جهان جانان فدا هی يا عالم العلم والحمد لله هی

(حسینی طرهان، پیشین، ۱۳۳)

یعنی، ای جان جهان، همه جانان فدایت شوند، ای عالم و آگاه به همه علوم و حمد و سپاس خدایی. انسان کامل و صاحب ولایت، بر همه عوالم حاکم و فرمانرواست و همه چیز در تصرف و مسخر ایشان است؛ با توجه به اینکه وی، کامل‌ترین تجلی و مظهر حق تعالی است به همین دلیل بر همه چیز تسلط و احاطه دارد؛ به بیان دیگر، «انسان کامل به اذن خدا بر ماسوی الله ولایت دارد و همه حضرات و هستی‌ها تحت تسلط وجود الهی اوست» (خدادادی، ۱۳۹۷: ۱۱۱) چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فَإِنَّا صَنَاعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا» (نهج البلاغه، نامه ۲۸): همانا ما دست پروده و

ساخته پروردگار خویشیم، و مردم پرورده های مايند. و در جای ديگر در خصوص تدبير امور مردم و قدرت ولایت ائمه می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأُئُمَّةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ» (همان، خطبه ۱۵۲).

در روایات شیعی وارد شده از جانب پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) حضرت علی به استناد ولایت باطنی اش بر همه ماسوی الله چیرگی و تصرف داشته و در همه اعصار دستگیر و یاریگر پیامبران بوده و آنان را در انجام رسالتشان مدد نموده است؛ و همه پیامبران را به صورت باطنی همراهی و معیت نموده است. و روایاتی مأثوره از جانب معصومین(ع) نیز بر این امر اشارات روشن و قاطعی دارند. حضرت رسول(ص) در مورد معیت باطنی علی(ع) با انبیا فرموده: «بُعِثَ عَلِيٌّ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ سِرًّا وَمَعِيَ جَهْرًا» (آملی، ۱۳۹۱:۳۰۳؛ سبزواری، ۱۳۷۲:۱۰۴) یعنی علی با همه انبیا به طور سری و با من به صورت آشکار مبعوث شد. و خود حضرت علی در این مورد فرموده: «كُنْتُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ بَاطِنًا وَمَعَ رَسُولِ اللَّهِ ظَاهِرًا» (کاشانی، ۱۳۹۴: ۸۴) و روایات دیگری از حضرت علی که مؤید این امر است که ایشان یاری‌کننده پیامبران و ناجی آنان از سختی‌ها و بلاها بوده است؛ چنانکه فرموده‌اند: منم آن کسی که برداشت نوح را در سفینه که ساخته بود او را، منم آن که نجات دادم ابراهیم را از آتش و منم اویم در غربت، منم منم یوسف در چاه و بر آورنده وی از چاه، منم صاحب موسی و خضر و تعلیم کننده آن هر دو... منم صاحب ایوب که مبتلی بود به انواع محتتها و نجات دهنده و شفا دهنده وی، منم صاحب یونس و نجات دهنده وی. (حافظ برسی، پیشین: ۳۹۲؛ ده‌دار شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۵)

در بینش سلسله آتش‌بیگی، حضرت علی(ع) به طور سری و باطنی و بر اساس باطن ولایت مطلقه اش با همه انبیا و اولیا و در انجام رسالتشان یاریگر آنان بوده است و در دوره حضرت رسول(ص) این همراهی و حضور به صورت باطنی و ظاهری بوده است. او هادی همه انبیای الهی بوده است و همگی آنان از نور ولایت آن حضرت بهره‌مند گشته‌اند؛ او سر انبیا، یاریگر و راهنما و دلیل راه آنان بوده است:

نجات دهنده یوسف و چاه هی

ارشد انبیا راهنمای راهی

(حسینی طرهان، ۱۳۹۷: ۱۳۳)

یعنی: ای علی، تو ارشد موجودات و راهنمای راه هستس، و تو نجان دهنده یوسف از چاهی.

سَرِّ نَهَائِي [نهانی] و تو بین مُقْبِل...

۱. کُلُّ پيغمبران مُرْسَلٌ نَا مُرْسَلٌ

انس و جن و وحش دارن پنا وه

۲. داین و سلیمان حشمت الله وه

۳. ابراهیم خلیل نور وارن گردین	شراره نمرود گلبازان گگردین
۴. تو بین صابری صبوری ایوب	هم تو کیاستین یوسف و یعقوب
۵. صاحب ذات و زور کس سر نوردن	و چارم سماء عیسی پروردن
۶. صد بیست چار هزار گل پیغمبران	منزل منزلان و تو طی گران

(حسینی طرهان، ۱۳۹۷: ۲۵۵)

۱. همگی پیامبران چه نبی و چه رسول، سر نهانی آنها تو بودی؛ ۲. تو به سلیمان شکوه و عظمت بخشیدی، تا جایی که انس و جن و جانوران وحشی همه تحت تسلط او قرار داشتند؛ ۳. ابراهیم خلیل را از آتش نمرودی نجات دادی و آتش را بر او گلستان نمودی؛ ۴. تو به ایوب صبر و تحمل دادی، و هم تو هستی که با تدبیر یوسف و یعقوب را از هم جدا و به هم رساندی؛ ۵. تو صاحب ذات و قدرتی که کسی از ذات تو آگاه نگشته، همچنین تو عیسی را به آسمان چهارم بردی و او را پروراندی؛ ۶. همه صدو بیست و چهار هزار پیغمبران، مراحل و منازل کمال را با هدایت و عنایت تو طی و سیر نمودند.

از نظر عارفان و محققان عرفان نیز، حضرت علی(ع)، شاهنشاه ولایت است و «جمع انبیا تجلیات و ظهورات آن ولی الله اعظم اند» (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۲۱۵) بنابراین، چون حقیقت محمدیه مظهر کامل حقیقت حق و مظهر اسم الله است و اسم الله جامع جمیع اسما و منشا ظهور تمام اسما می باشد، از این رو، مظهر او هم عین ثابت محمدی است؛ سمت سیادت بر سایر اسما دارد، و نیز و ساطت در فیض را نسبت به همه موجودات دارد و سایر انبیا و اولیا از مظاهر و تجلیات آن حقیقت مقدسه هستند. (آشتیانی، همان) پس علی(ع) که صاحب ولایت مطلقه و مظهر خاتم اولیا محمدیه می باشد «علت در وجود همه پیغمبران و مردها و سر موجود ای شان» (حافظ برسی، ۱۳۸۹: ۲۶۸) است.

برای همسنجی بینش اعتقادی اهل حق آتشبگی در مورد منزلت حضرت علی بر با عقاید شیعیان در این زمینه، به طور مختصر به ذکر نمونه‌های از عقاید دو گروه اخیر نیز اشاره خواهد گردید تا ریشه‌ها و مشترکات آنها بیشتر روشن گردد.

بر اساس روایات وارده از جانب حضرات معصومین(ع)، به موجب مقام ولایت کلیه و مظهریت کامل ذات و اسما و صفات الهی، مظهر مشیت و اراده خداوند و صاحب مقام «کُن» هستند؛ که به اذن الهی، قدرت دخل و تصرف در امور ممکنات و عوالم هستی را دارا هستند.

همان‌طور که حضرت علی، خود را خلیفه و حجت و امر خدا می‌داند که امر خلاق از جانب خدا به او تفویض گردیده است: «أنا المفوض إلیّ أمر الخلاق، أنا خلیفه الإله الخالق، أنا سرّ الله فی بلاده، و حجّته علی عباده، أنا أمر الله و الروح» (حافظ برسی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). یعنی: منم که امر خلاق به من واگذار گردیده، منم خلیفه خدا بر خلق، منم سرّ خدا در سرزمینها، و حجت او بر بندگان، منم امر خدا و روح.

از این رو، بر اساس این بینش، انسان کامل محمدی و صاحب ولایت مطلقه می‌تواند به اذن خدا مظهر اراده و مشیت الهی شود و همه کائنات مسخر اوست و انجام این امور منافاتی با ربوبیت خداوند ندارد، بلکه آنان به مقام فناى ذاتی با حق تعالی رسیده و انجام کارها و اموری که مربوط به خالق است توسط آنان، عین توحید است. زیرا آنان خلیفه عظمای الهی‌اند، پس مظهر تمام اسمای الهی هستند و از این رو به استناد منزلت و مقام عظمای ولایت می‌توانند به اذن الهی در عین عبودیت کامل، مظهر و مجلای اراده الهی و مظهر ربوبیت خداوند شوند.

سید حیدر آملی در کتاب جامع الاسرار در تفسیر و توضیح آیه: «أَقْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (قرآن، علق، آیات ۳-۴) بیان داشته که: «ربوبیت بر دو قسم است: ربوبیت کبری و ربوبیت صغری. ربوبیت کبری تنها از آن حق تعالی است که رب الارباب است. و ربوبیت صغری از آن خلیفه اعظم اوست که موسوم به عقل و رحمان است، زیرا رحمان اگر چه خود نسبت به حق تعالی مربوط است، لکن نسبت به مربوبات که مادون او قرار گرفته‌اند ربّ است» (آملی، ۱۳۹۱: ۴۱۵). پس چون امام، صاحب ولایت کامل، مظهر اسم اعظم و اسم الله است، ولایت او، ولایت خداست.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالب و مواردی که درباره ولایت و انسان کامل از دیدگاه اهل حق و سلسله آتش بیگی بیان گردید. ولایت اساس و محور اعتقادی آنان به شمار می‌رود. بحث ولایت در اندیشه آنان با ولایت حضرت علی(ع) گره خورده است. البته توصیف حضرت علی(ع) در متون اهل حق و سلسله آتش بیگی، حقیقت وجودی ایشان، به عنوان مظهر کامل صفات و اسمای الهی است، که دارای ظهور دائمی و پیوسته است و نخستین ظهور کامل ولایت مطلقه، در وجود آن حضرت بوده است.

مشابهت‌های زیادی در اهمیت و منزلت مقام ولایت در نزد دو گروه مذکور وجود دارد؛ از اشتراکات دو دیدگاه مورد مطالعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. از دیدگاه هر دو گروه، ولایت ریشه الهی و ازلی داشته و از جانب خداوند به اشخاص برگزیده الهی اعطا گردیده است که از ازل تا ابد ادامه خواهد یافت و زمین هیچگاه از حضور ولی کامل و مظهر الله خالی نمی‌گردد؛ ۲. اعتقاد مشترک به امامت و ولایت امامان دوازده‌گانه شیعی امامی؛ ۳. امامان معصوم (ع) و به خصوص حضرت علی (ع) به عنوان مظهر کامل مشیت الهی صاحب ولایت تکوینی هستند و به اذن الهی قدرت دخل و تصرف در امور عالم را دارا هستند؛ ۴. دین بر محور ولایت علی (ع) می‌چرخد و او مظهر اعظم تجلی الهی است؛ ۵. ولایت باطنی حضرت علی (ع) یاریگر و راهنمای انبیای الهی بوده است و آن حضرت صاحب ولایت مطلقه است و ولایت آن حضرت حقیقت و باطن دین است؛ ۶. حضرت علی و ائمه اطهار (ع) و انسان کامل هر دوره، همگی به عنوان حجت‌های الهی و به منزله یک حقیقت واحد هستند.

در نگاه سلسله آتش بیگی حضرت علی (ع) به عنوان تجلی اعظم ولایت الهی در عالم ناسوتی است. در واقع سلسله تجلی و ظهورات مظهریت کامل در اندیشه سلسله آتش بیگی در وجود برخی کاملان همواره وجود داشته است. و بحث ولایت آن حضرت و ائمه اطهار به طور آشکار و به کرات در متون سلسله آتش بیگی آمده است. بنابراین، با ذکر بررسی و تطبیق موارد و مباحث مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که ولایت در نزد دو گروه مورد اشاره دارای مشابهت‌ها و قرابت‌های بسیاری است. و دارای یک سرچشمه اعتقادی واحد هستند. و از طرف دیگر، ریشه اعتقادی مبحث ولایت حضرت علی (ع) در نزد دو گروه مورد بررسی با اندیشه شیعه امامیه دارای اشتراک و پیوندهای زیادی است.

منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، (۱۳۸۵). ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات الهادی. چاپ هشتم.
- ۳- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۰)، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.

- ۵- آملی، سید حیدر (۱۳۹۱)، جامع الاسرار و منبع الانوار، ترجمه محمدرضا جوزی، تهران، انتشارات هرمس.
- ۸- _____ (۱۴۱۴ق) اعتقادات الإمامیه، قم، انتشارات کنگره شیخ مفی، چاپ دوم.
- ۹- _____ (۱۳۸۰) فضائل الشیعه، ترجمه امیر توحیدی، تهران، انتشارات زراره.
- ۱۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، نشر علامه.
- ۱۲- افضل‌ی شاه‌ابراهیمی، سید قاسم (۱۳۷۱) مقاله «اهل حق» در پاسخ به مندرجات دایره المعارف تشیع، جلد ۳، تهران، موسسه دایره المعارف تشیع، صص ۶۵۵-۶۶۲.
- ۱۳- الواری، محمود (۱۴۰۰)، «بررسی اندیشه دونالدون در باور اهل حق (با تکیه بر دیدگاه مکتبیون)»، فصلنامه تاریخ، سال شانزدهم، ش ۶۰، صص ۲۶-۵۵.
- ۱۴- الهی، نورعلی، (۱۳۷۳)، آثار الحق، گردآورنده بهرام الهی، جلد دوم، تهران، جیحون، چاپ دوم.
- ۱۵- الهی، نورعلی (۱۳۷۳)، برهان الحق، تهران: انتشارات جیحون، چاپ هشتم.
- ۱۶- ایوانف و (۱۹۵۰م) مجموعه رسائل و اشعار اهل حق، بمبئی، مطبع قادری پریس.
- ۱۷- تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸ق)، امام‌شناسی، ج ۵، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ دوم.
- ۱۸- جیحون‌آبادی، نعمت‌الله، (۱۳۶۱)، حق‌الحقایق یا شاهنامه حقیقت، با مقدمه و تصحیح محمد مکری، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دوم.
- ۱۹- حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۳۸۹) مشارق الانوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمومنین، ترجمه محمدصادق بن علی‌رضا یزدی، قم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان.
- ۲۰- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۰)، نهج‌الولایه: بررسی مستند در شناخت امام زمان (عج)، قم، انتشارات الف. لام. میم.
- ۲۱- _____ (۱۳۸۳). انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات الف، لام. میم.
- ۲۲- حسینی طرهان، سید مجتبی (۱۳۹۷)، بیاض یاری، تهران، انتشارات آذرفر.
- ۲۳- خدادادی محمد (۱۳۹۷). آینه روی دوست (انسان کامل در عرفان نظری و ادبیات عرفانی) تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۴- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۶) مصباح‌الهدایه الی‌الخلافة و‌الولایه، با مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- ۲۵- دورینگ، ژان (۱۳۷۸) موسیقی و عرفان (سنت شیعی اهل حق)، مترجم سودابه فضائلی، آبادان، نشر پرسش.

- ۲۶ - دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۷). ارشاد القلوب، ترجمه سید عبدالرحمن سین رضایی، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ سوم.
- ۲۷ - دیوان ترکمیر موموند، (۱۳۹۸)، به کوشش بهادر غلامی (دبیر)، کرمانشاه: انتشارات ماهتاب غرب.
- ۲۸ - دیوان شیخ امیر و سید فرضی و شرح احوالات آقا تیمور بانیارانی، (۱۳۷۴)، شرح و ترجمه سید امرالله شاه ابراهیمی، صحنه، بی نا.
- ۲۹ - دیوان گوره (۱۳۸۲)، گردآوری، و ویراسته سید محمد حسینی، کرمانشاه، انتشارات باغ نی.
- ۳۰ - دهدار شیرازی، محمد بن محمود. (۱۳۸۰)، شرح خطبه البیان، به تصحیح محمد حسین اکبری ساوی، تهران، انتشارات صائب، چاپ چهارم.
- ۳۱ - رستمی، منصور (۱۳۹۶)، تبیین ظهور در دوره حقیقت از نگاه کلام یار سان (اهل حق)، تهران، انتشارات مبین اندیشه.
- ۳۲ - سبحانی، جعفر و محمد محمد رضایی، (۱۳۸۹)، «پژوهشی درباره ولایت تکوینی از سان از دیدگاه قرآن»، انسان پژوهی دینی، سال هفتم، ش ۲۴، پاییز و زمستان، صص ۵-۱۷.
- ۳۳ - سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۲) شرح الأسماء الحسنی، به تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۴ - سلطانی، (۱۳۸۰)، تاریخ خاندانهای حقیقت و مشاهیر متأخر اهل حق در کرمانشاه، تهران، نشر سها.
- ۳۵ - صفی زاده (بوره کهئی)، صدیق، (۱۳۷۶)، دانشنامه نام آوران یارسان، تهران: انتشارات هیرمند.
- ۳۶ - طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد بیستون، قم، نشر بیان جوان؛ مشهد، شرکت به نشر.
- ۳۷ - کاشانی، عزالدین محمود بن علی، (۱۳۹۴). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، به تصحیح جلالالدین همایی، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوازدهم.
- ۳۸ - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، دوره ۶ جلدی، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، قم، انتشارات اسوه، چاپ سوم.
- ۳۹ - مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۴۰ - مدرسی چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۸)، خاکسار و اهل حق، تهران، کتابفروشی اشراقی چاپ چهارم.
- ۴۱ - مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴) الأمالی، ترجمه حسین استادولی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۴۲ - میراحمدی، مریم (۱۳۶۹)، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- ۴۳- مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ؛ (۱۳۷۸)، «فرقه اهل حق» مندرج در: سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق، ترجمه و توضیح محمدعلی سلطانی و مریم بانو رزازیان، تهران: سُها.
- ۴۴- نامه سرانجام یا کلام خزانه، (۱۳۷۵)، تحقیق، ترجمه و تفسیر صدیق صفی‌زاده بوره‌کهنی، تهران: انتشارات هیرمند .
- ۴۵- نیک نژاد، سید کاظم (بی تا)، گنجینه یاری، بی جا، بی نا.
- ۴۶- ها شمی خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق) منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، به تصحیح ابراهیم میانجی، مترجم حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، ج ۱۹، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۴۷- یزدی‌حائری، علی بن زین‌العابدین(۱۴۲۲ق)، الزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب، تحقیق علی عاشور، بیروت، انتشارات موسسه الأعلمی.